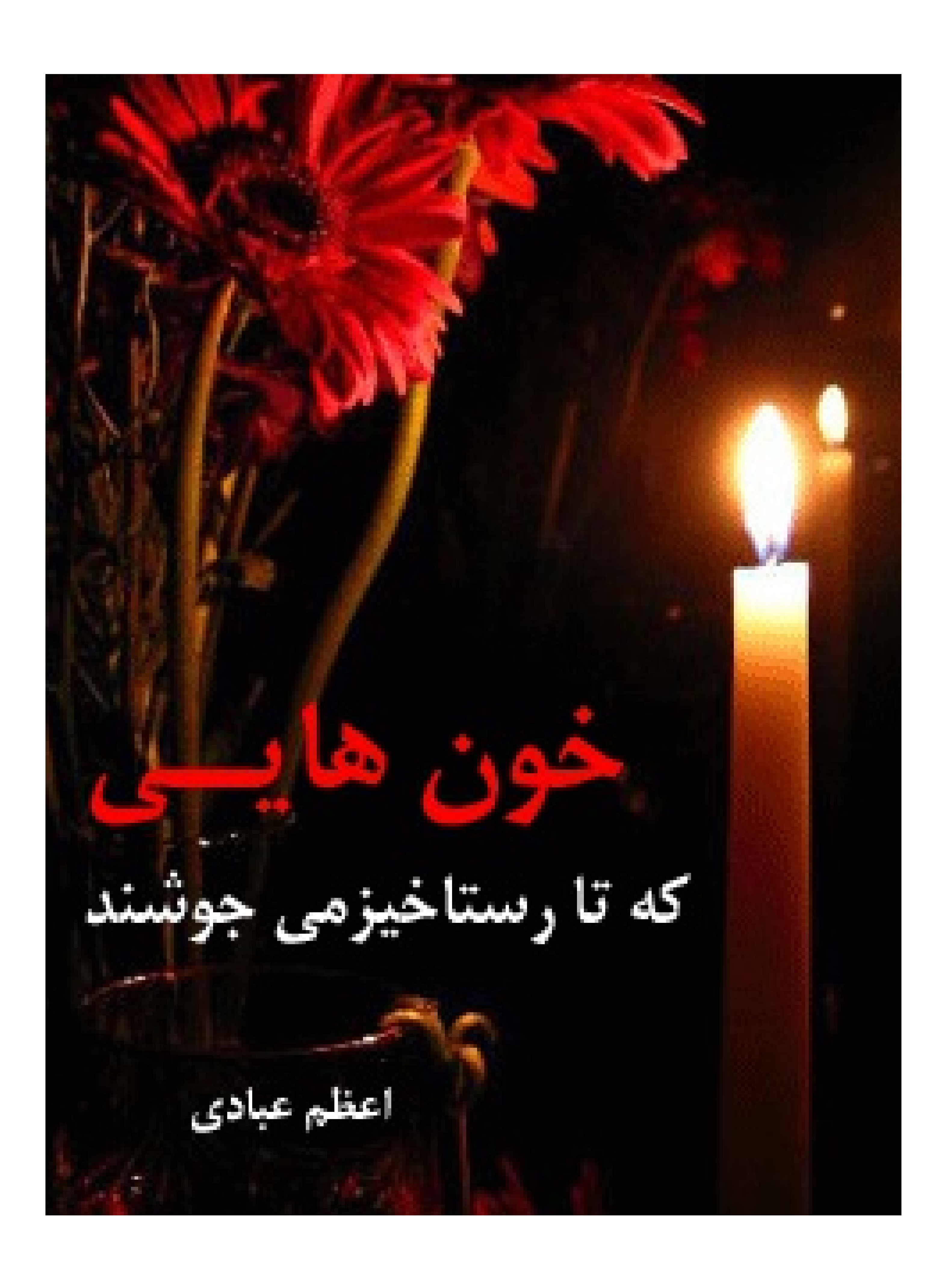

خون هایی
که تا رستاخیز می جوشند
اعظم عبادی



خون هایی که تا رستاخیز می جوشند

نویسنده:

اعظم عبادی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خون هایی که تا رستاخیز می جوشند

مشخصات کتاب

عنوان : خون هایی که تا رستاخیز می جوشند

پدیدآورندگان : اعظم عبادی(پدیدآور)

ناشر : اعظم عبادی

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : خوردن تربت قبر امام حسین (ع)

ولایت امام حسین (ع)

مقدمه

نهضت امام حسین (ع) علاوه بر آن که جنبه آسمانی دارد از نظر سنت های قبل و قوانین اجتماعی نیز حرکتی عاقلانه و ضروری و غیر قابل اجتناب بوده و اگر از جنبه امام بودن آن حضرت هم صرف نظر شود، قیام وی از دیدگاه یک سیاست مدار ورزیده و با فراست نیز خردمندانه ترین و واقع بینانه ترین نهضت به شمار می آید.اصول کلی این جنبش مثل قواعد ریاضی برای همیشه تازه و زنده و قابل پیروی است و از این جهت تاریخ قیام حسین بن علی (ع) از با ارزش ترین مباحثی است که سزاوار است برای درس گرفتن از آن بررسی و تحقیق شود.از این رو، در این مقاله آثار و نتایج آن قیام جاوید را از مجرای کارهای عقلانی و مجاری طبیعی بررسی کرده تا مکتب زنده و ارزنده آن حضرت دیگران را نیز راهنمایی کند وجوان مردان آزاده بتوانند از جنبش آموزنده پیشوای مجاهدان درس بگیرند و طبق آن عمل نمایند، زیرا همان طور که به حکم آیه: (لقد کان لکم فی رسول اللّه اسوه حسنه) عمل رسول خدا (ص) سرمشق مردم است، عمل امام نیز سرمشق و راهنمای مردم است؛ چنان که امام حسین فرمود:(لکم فی ّاسوه) در این مبارزه عمل من سرمشق شماست.بنابراین مسلمانان باید برنامه عملی آن حضرت را به طور صحیح درک کنند و از آن پیروی نمایند.البته بحث در آثار نهضت و بهره هایی زاده علی (ع) از

جانبازی های قریش و یارانش برداشت، دامنه ای بسیار وسیع دارد، زیرا نتایج و آثار و بهره های آن قیام مقدس بس بی شمار است: حال که مجالی کوتاه یافته ایم، می کوشیم تا هر چند اندک آن نتایج و آثار را بهتر بشناسیم.به طور کلی آثار و نتایج قیام امام حسین (ع) در دو بخش باید بررسی شود: نخست،آثار زیان آور این تجاوز قساوت آمیزی که از طرف پسر معاویه - یزید خون خوار- با امام و اسلام شد.در بخش دوم، هم آثار مثبت و پردازش قیام جاودانه آن امام برحق.

زیان های جنگ یزیدیان

خسارت جبران ناپذیر

همه می دانند که در فاجعه اسف انگیز کربلا، علاوه بر زیان های مالی، عده ای ازشریف ترین و برگزیده ترین رجال اسلامی و ذخائر پر ارزش ملی که دارای عالی ترین صفات انسانی هستند و نمونه های کامل مکتب قرآن بودند، طعمه آتش جنگ شدند و خانواده های آنان بی سرپرست و پریشان گشتند.از همه مهم تر، سبط پیغمبر (ص) و فرزند برومند علی و فاطمه (س) که حقا باید جهان انسانیت را به سوی ترقی و تکامل رهبری کند، با آن وضع دل خراش به خاک و خون غلطید، و زنان و دختران خاندان رسول خدا (ص) که نمونه های کامل عفت اسلامی بودند، مورد تهاجم و غارت عناصر وحشی واقع شدند و در گذرگاه ها و مجالس عمومی در معرض تماشای مردان بیگانه قرار گرفتند. بی تردید این تهاجم وحشیانه ای که به خاندان رسالت شد، ضربت بزرگی بود که به دستگاه رهبری اسلامی وارد گشت و بی احترامی جسورانه ای بود که به مقام پیغمبر اکرم (ص) شد. و هیچ خسارتی بزرگ تر از این نمی شود که خاندان نبوت قتل و غارت شوند. این خسارت جبران ناپذیر است که مسئولیت آن به عهده

حکومت ضد اسلام پسر معاویه است که با تجاوزطلبی خود این فاجعه وحشتناک را به وجود آورد.

ذلت مردم

در زمان هایی که حکومت های استبدادی مثل حکومت یزید بن معاویه همه آزادی ها را از مردم سلب می کنند و حق و عدالت را می کُشند و با افسار گسیختگی نیروهای مالی و انسانی مردم را استثمار می کنند. تنها مایه امید مردم شخصیت های بزرگ و لایقی مثل حسین بن علی (ع) هستند که می توانند در شرایط مساعد از نفوذ اجتماعی و محبوبیت ملی خود استفاده کنند و طغیان حکومت سرکش را مهار نمایند ومردم را از ظلم و ستم برهانند.پس از مرگ معاویه بن ابی سفیان مردمی که بیست سال حکومت عدالت کش ِاین دیکتاتور خون خوار را تحمل کرده و تشنه اصلاحات بودند.امید داشتند پیش از آن که یزید بن معاویه بر اوضاع مسلط گردد، امام حسین (ع) وضع موجود را تغییر دهد و مردم را از آن استبداد و اختناق شدید نجات بخشد.این امید و آرزو در مردم عراق که عموما شیعیان امیرالمؤمنین (ع) بودند، بیشتر وجود داشت و همه امیدها و آرزوهای مردم عدالت خواه در شخص حسین بن علی (ع) متمرکز شده و عقیده داشتند تنها مرد مصلحی که می تواند به آرزوهای مردم جامه عمل بپوشاند، فرزند پیغمبر (ص) است.حال اگر این تکیه گاه امید و آرزوهای مردم به شمشیر استبداد کشته شود و اگر این زعیم عظیم، به دست عمال دولت عدالت کش یزید به خون بغلطد؛ در این صورت آیا دیگر برای مردم ستم دیده پناهگاهی وجود دارد؟و آیا برای مردم آزادی خواهی که طغیان زیر ضربات شلاق دیکتاتوری جانشان به لب رسیده، مایه امیدی باقی

می ماند، وآیا برای مهار کردن حکومت ستمگر بنی امیه وسیله دیگری موجود است؟این جاست که باید گفت: پس از کشتن امام حسین (ع) مردم مسلمان در برابرحکومت یزید ذلیل تر و زبون تر شدند، زیرا با کشته شدن امام، آرزوهای آنان بر باد رفته و امیدها به ناامیدی مبدل گشته و خود را شکست خورده و بی پناه می دیدند.«عبد اللّه بن مطیع» سیاست مدار معروف که در شورش های ضد بنی امیه نقش مؤثری داشت، وقتی که بین مکه و مدینه امام حسین (ع) را ملاقات کرد. ضمن سخنانش با آن حضرت گفت: «لئن هلکت لنسترقن بعدک. اگر تو کشته شوی حکومت موجود، ما را برده و اسیر خود خواهد کرد».«زید بن ارقم» پیر مرد صحابی آن گاه که با خشم و تنفر از مجلس عبید اللّه بن زیاد خارج شد، گفت: «انتم معشر العرب العبید بعد الیوم، قتلتم ابن فاطمه و امرتم ابن مرجانه؛ شما که پسر فاطمه را کشتید و پسر مرجانه را به حکومت پذیرفتید، از این پس بردگان حکومت خواهید بود».آنچه عبد اللّه بن مطیع و زید بن ارقم گفتند به وقوع پیوست و پس از حادثه کربلاـ مردم بردگان دستگاه حکومت شدند.از «ابواسحاق سبیعی» پرسیدند: مردم چه وقت ذلیل شدند؟ گفت: «حین قتل الحسین؛ آن گاه که امام حسین (ع) راکشتند». از این بالاتر،کشتن امام این جنایت بزرگ تاریخ دامنه ذلت رادر حادثه کربلا به دامن خاندان رسالت هم کشانید نعوذ باللّه واین برای خاندان عصمت به قدری رنج آور و جانکاه بود که حضرت امام رضا (ع) از روی شدت ناراحتی می فرماید: «ان یوم الحسین اقرح جفوننا واسبل دموعنا و اذل عزیزنا؛کشته شدن امام

حسین (ع) اشک های ما را ریزان و پلک های چشمان ما را مجروح و عزیز مارا ذلیل کرد».از آنچه گفتیم، روشن شد که ذلت و زبونی بیش از پیش مردم مسلمان در برابرحکومت جبّار بنی امیه از آثار نامطلوب و رنج آور تهاجم وحشیانه ای بود که از طرف دولت ضد اسلام یزید به فرزند پیغمبر (ص) شد.

ضربت خوردن اسلام

امام حسین (ع) پیشوای بزرگ اسلام بود و وظیفه آن حضرت این بود که :۱ - اصول و مقررات اسلام را بیان و تفسیر کند؛۲ - باتبلیغ و ترویج قوانین اسلام زمینه پیشروی و نفوذ این دین را فراهم نماید،تا در سایه تبلیغات وی توسعه و انتشار بیشتری پیداکند؛۳ - راهنمایی و سرپرستی سیاسی مسلمانان را به عهده گیرد و نیروها و فعالیت های آنان را در سیاست و اقتصاد و سایر شئون حیاتی متشکل و هم آهنگ سازد،تا ملت مسلمان پایه های سعادت خود را استوارتر سازند و گام های بلندتری در راه ترقی و تکامل بردارند. هر امّت و جمعیّتی اگر بخواهند سعادت مند شوند، از دو چیز نا گریزند:الف) قانون؛ب) رجال قانون.قانون باید آن قدر کامل باشد که بتواند جواب گوی احتیاج های اجتماع باشد.و رجال قانون باید هم به آن ایمان داشته باشند، و هم قانون را درست بفهمند و هم برای ترویج و حمایت آن از بذل هیچ گونه کوششی دریغ ننمایند.رسول خدا (ص)فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّه واهل بیتی؛ من کتاب خدا و عترت خود را در بین شما می گذارم» و بدین گونه هم قانون و هم رجال قانون را تعیین کرد. قانون کتاب خداست و رجال قانون عترت پیغمبر (ص) هستند و چون قانون به خودی خود

نه زبان دارد و نه می تواند از خود دفاع کند. از این رو تنها رجال قانون هستندکه باید آن را هم تفسیر و هم پشتیبانی و ترویج نمایند.بنابر این به هر نسبتی که مردان دانشمند دین شناس بیشتر باشند و برای پیشروی و سربلندی دین فعالیت کنند، به همان نسبت دین زنده می شود و پیش می رود.و به هر نسبتی که عدّه دانشمندان دینی کم شود و فعالیت های مذهبی رو به نقصان نهد به همان اندازه دین رو به ضعف می رود.اگر یک عالم دینی بمیرد، به اندازه شعاع شخصیت دینی و نفوذ مذهبی او به دین ضربه می خورد. زیرا دین، یک فرد طرفدار مدافع خود را از دست می دهد. و از این جهت در خبر وارد شده است:«اذا مات المؤمن الفقیه ثلم فی الأسلام ثلمه لایسدها شی؛ اگر یک عالم دینی بمیرد،شکستی به اسلام می خورد که هیچ چیز آن را جبران نمی کند».از این مقدمات می توان به این حقیقت پی برد که کشتن امام حسین (ع) آن رهبر بزرگ و مجاهد چه ضربت جبران ناپذیری به اسلام وارد ساخت.برای درک این حقیقت لازم است این نکته مورد توجه قرار گیرد: آیا وجود امام حسین (ع) بزرگ ترین شخصیت علمی و سیاسی از خاندان وحی و رسالت برای پیشروی و سربلندی اسلام تا چه اندازه مفید بود؟ بدیهی است وجود امام به اندازه شعاع شخصیت اسلامی و رهبری دینی و سیاسی آن حضرت برای پیشروی و شوکت و نفوذ اسلام مؤثر بود.پس به همین نسبت کشتن چنین رهبر بزرگ دینی و سیاسی زعیم عظیم اسلامی برای اسلام و مسلمانان زیان آور وخسارت بار بود و فقدان وی آن هم

با آن صورت دردناک، شکست بزرگی بود که به جهان اسلام وارد آمد.عبد اللّه بن جعفر ضمن نامه ای به امام حسین (ع) می نویسد: «ان هلکت طفی ء نور الارض؛ اگر تو کشته شوی نور زمین خاموش می شود» از این رو امام سجاد (ع) ضمن خطبه ای که هنگام بازگشت به مدینه در بیرون شهر ایراد کرد، فرمود:«أن ّاللّه قد ابتلانا بمصائب جلیله و ثلمه فی الأسلام عظیمه،قتل ابو عبد اللّه الحسین (ع)؛ مابه مصیبت های بزرگی مبتلا شدیم؛ حسین بن علی (ع) کشته شد و کشتن او شکست بزرگی بود که به اسلام وارد شد. از آنچه گذشت، روشن شد شکست بزرگی که با کشتن امام حسین (ع) به اسلام وارد شد؛ آثار نامطلوب و اسف انگیز قتل امام بود که به دست عاملان حکومت یزیدی واقع گشت.

شکست علمی

بعضی از بزرگان فرموده اند: «در سراسر فقه شیعه، حدیثی از امام حسین (ع) نقل نشده و بعضی فرموده اند: فقط یک حدیث از آن حضرت نقل شده است».اگر هر یک از این دو مطلب، حقیقت داشته باشد باید گفت: علت آن این است که پس از وفات حضرت مجتبی (ع) به علت اختناق شدیدی که حکومت معاویه به وجود آورده بود، امام حسین (ع) طبعا از صحنه سیاست کنار و مراجعات مردم به آن حضرت کم بود و پس از مرگ معاویه نیز بلافاصله به امام تهاجم شد و به دنبال آن قیام وی به وجود آمد و در این قیام شهید شد.اگر امام شهید نمی شد و خلافت اسلامی را به مرکز اصلی خود باز می گرداند، دراین صورت مثل پدر بزرگوارش در مسجد کوفه خطبه ها می خواند و برای عزل و نصب،فرمان ها صادر می نمود

و در هر مناسبتی از حقایق قرآن و اسلام پرده برمی داشت و شاگردان فراوانی در تفسیر و حدیث وسایر علوم اسلامی تربیت می کرد و جهانی را از علم قرآن و حدیث پر می نمود.نهج البلاغه جزء بسیار کمی از آثار علمی امیر المؤمنین (ع) است که به صورت خطبه ها و نامه ها و کلمات قصار در اختیار مردم قرار گرفته و معلوم است که قسمت اعظم این اثر گران بها در زمان خلافت آن حضرت صادر شده، زیرا در این زمان بود که رهبری اجتماع را به عهده داشت و در هر مناسبتی خطبه ای یا نامه ای یا کلمات حکمت آمیزی از حضرتش صادر می شد.اگر امام حسین (ع) نیز مثل پدر بزرگوارش زمام امور را به دست می گرفت و حداقل ده سال بر مردم حکومت می کرد، نهج البلاغه ها از وی به یادگار می ماند و آثار گران بهایی به صورت خطبه ها و نامه و فرمان ها و اخبار و احادیث اسلامی از حضرتش دراختیار مردم قرار می گرفت.یا اگر در مرحله سوم قیام همان طور که خواست امام بود ترک خصومت می شد و پسر پیغمبر (ص) به مدینه بر می گشت و پس از مرگ یزید خلافت اسلامی را به مرکز اصلی خود باز می گرداند و یا در وضعی مشابه وضع حضرت سجاد و امام باقر (ع) به سر می برد در هر دو صورت آثار گران بهایی از علوم اسلامی از آن حضرت به یاد گار می ماند.ولی هزار افسوس که آن وجود مقدس به شمشیر ظلم و استبداد کشته شد و جهان اسلام از فیض وجودش محروم گشت.پس باید گفت:یک علت اساسی که از سیدالشهدا (ع) اخباری در فقه نقل نشده

همان کشته شدن آن حضرت بود و این هم یکی از آثار جنایت یزید است.در زیارت امام حسین (ع) در روز عرفه وارد شده است: «واصبح کتاب اللّه بفقدک مهجورا؛ با کشته شدن تو ای فرزند پیغمبر (ص)!قرآن کریم متروک شد» بدیهی است در صورتی که با کشتن امام (ع) قرآن کریم متروک شود، اخبار اهل بیت به طور شدیدتری متروک خواهد شد.

لکه ننگ

تهاجم وحشیانه ای که در حادثه کربلا به خاندان وحی و رسالت شد، بی تردید برای حکومت یزید و به طور غیر مستقیم برای خلفا وحاکمان اسلامی لکه ننگی بود که به هیچ وسیله ای شسته نمی شد.این یک سنت طبیعی و اجتماعی است که هر حکومتی هر قدر طرفدار حق و عدالت باشد، در افکار عمومی محبوب می شود و در مقابل، هراندازه دست به ظلم و ستم بزند، در نزد مردم منفور می گردد و در سراشیبی سقوط قرار می گیرد. و از این رو حکومت یزید پس از فاجعه کربلا بیش از پیش منفور شد و مورد نکوهش و سرزنش قرار گرفت.اگر چه اختناق شدید به مردم فرصت نمی داد که آزادانه اظهار تنفر کنند، ولی این اختناق نمی توانست از خشم و نفرت عمومی بکاهد، بلکه آن را بیشتر می کرد.نه تنها مردم با ایمان از این حادثه دل خراش نگران و پریشان شدند، بلکه جیره خواران و نزدیکان دستگاه حکومت نیز نتوانستند از اظهار تنفر و تأسف خود داری کنند.

اینک چند نکته

۱ - پس از شهادت امام حسین (ع) «عبید اللّه بن زیاد» نامه فرمان قتل امام را از عمر بن سعد به شدت مطالبه کرد و ابن سعد از دادن آن به شدّت امتناع نمود، آن گاه به ابن زیاد گفت: من درباره قضیه حسین بن علی به قدری برای تو خیر خواهی کردم و برای جلوگیری از جنگ کوشیدم که اگر این اندازه خیر خواهی برای پدرم «سعد بن ابی وقاص» کرده بودم، حق پدری او را ادا نموده بودم.عثمان بن زیاد برادر عبید اللّه بن زیاد که در مجلس حاضر بود، سخنان عمر بن سعد را تصدیق

کرد و گفت: من دوست می داشتم که همه فرزندان زیاد تا روز قیامت ذلیل و خوار باشند و حسین بن علی کشته نشود.از این قصه می توان به میزان زیـاد تأسف و تنفر عمر بن سعد از کشتن امام حسین(ع) پی برد، بلکه نگرانی خود ابن زیاد را نیز می توان فهمید.۲ مرجانه مادر عبید اللّه بن زیاد حاکم دیکتاتور را درباره کشتن امام حسین (ع) به شدت ملامت کرد و گفت:«یا خبیث قتلت ابن رسول اللّه!واللّه لا ـتری الجنه ابـدا؛ تو ای عنصر نـا پـاک! فرزنـد پیغمبر را کشتی، به خـدا قسم هرگز بهشت را نخواهی دید».۳ – هنگامی که سر امام حسین (ع) را به مسجد دمشق آوردند، یحیی بن حکم برادر مروان حکم از آنان پرسید: چه کردیـد؟ آنان جریان کشته شـدن امام را توضـیح دادنـد؛ او گفت: بین شـما و پیغمبر خـدا در روز قیامت جدایی افتاد، من دیگر با شما در هیچ کاری شرکت نخواهم کرد.۴ – همین یحیی بن حکم، وقتی که سر امام را نزد یزید دید، از روی ناراحتی و تأسف گفت: «آیا باید فرزندان «سـمیّه» مادر زیاد که زن بدکاره ای بود به عدد ریگ های بیابان باشـند، ولی فرزندان فاطمه زهرا (س) دختر پیغمبر (ص) باید کشته و نابود گردند.؟!»

آثار ثمربخش

اشاره

اکنون به بعضی از آثار ثمر بخش قیام مردانه حضرت امام حسین (ع) اشاره می کنیم:

مکتب سیار

فعـالیت هـای ثمر بخشـی که أئمه اهل بیت: برای عقیم کردن تبلیغات مسـموم و زنـده نگه داشـتن نام پرافتخار امام حسـین (ع) کردنـد، مکتب زنـده و آموزنـده سـرور مجاهـدان را بـا آن تشـعشع مخصوص اش به جهانیـان معرفی کرد و هرچه زمان بیشتر گذشت، خورشـید حقیقت ِ حسـینی بیشتر درخشـید و شـعاع نور بخشـی آن وسـیع تر گشت، تا آن جا که شخصـیت با عظمت سیدا الشـهدا صـلوات اللّه علیه شمع جمع شد و شیفتگان انسانیت را دل باخته خود گرداند و محبت آن حضرت تا اعماق روح وجان مردم حقیقت طلب نفوذ کرد.این جاذبه شخصیت با عظمت امام حسین (ع) مکتب آن حضرت را به صورت مکتبی خود کـار و سـیار وفعـال درآورد؛ تـا آن جا که می توان گفت:در جهان تشـیع، اگر احکام اسـلام تبلیغ می شود.اگر اخلاق وعقاید دینی تشـریح می گردد و اگر ندای قرآن تا دورترین روسـتاها و حتی در بین عشایر خانه به دوش طنین می افکند، همه اینها به برکت مجالسی است که به نام سید الشهدا (ع) و زیر لوای آن حضرت تشکیل می گردد و مردم با شور و اشتیاق کم نظیری به این مجالس رو می آورند و حقایق اسلامی را می شنود و از منبع فیض حسینی سیراب می گردند.

تربت امام، شفای بیماران

اشاره

یکی از ثمرات و برکـاتی که خداونـد عـالم در عوض شـهادت امام حسـین (ع) به وی داده این است که تربت آن حضـرت را وسـیله شـفای بیمـاران قرار داده است.مـا در این جـا از آن همه روایـاتی که در این باب وارد شـده، می گـذریم و به نقل یک حکایت اکتفا می کنیم:عالم زاهد پرهیزکار، حجه الإسلام و المسلمین مرحوم آقای شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی

قـدس سـرّه (دایی این جـانب) نقل فرمودنـد:«من در زمان مرجعیت مرحوم آیه اللّه آخونـد خراسانی (ره) که در نجف اشـرف مشـغول تحصـیل بودم، مریض شدم و این بیماری مدتی طول کشـید و پرسـتاری مرا بعضـی از طلاب در همان حجره مدرسه به عهـده داشـتند.پس از چنـدی بیماری من به قـدری شدید شد، که پزشـکان از شـفا یافتنم مأیوس شدند و دیگر برای معالجه ام نیامدنـد ومن در حال شـدّت تب گاهی بی هوش می شـدم و گاهی به هوش می آمـدم. یکی از دوسـتان که مرا پرسـتاری می کرد شـنیده بود زاهـد مرحوم آیه اللّه آقای حاج آقا علی محمـد نجف آبادی (ره) مقداری از تربت اصل حضـرت سیدالشـهدا (ع) را دارد.او به منزل معظم له رفته و از وی خواسـته بود که قدری از آن تربت را بدهد که به من بخورانند تا شفا یابم. ایشان فرموده بود، به قـدر یک عـدس تربت دارم و آن را گذاشـته ام که بعد از مرگم در کفنم بگذارند.آن آقا ناراحت شده و گفته بود: حالا که ما از همه جا مأیوس شـده و به شـما پناه آورده ایم، شـما هم از دادن تربت خودداری می کنید؛ این بیمار درحال احتضـار است و می میرد. مرحوم آیه اللّه آقای حاج علی محمـد دلش به حال بیمار سوخته و قـدری از آن تربت را که از جان خودش عزیزترش می داشت به آن شـخص داده بود.تربت را بـا آداب مخصوصـی که وارد شـده، در آب حل کرده و در حلق من ریختـه بودنـد. من که در حـال بی هوشـی به سـر می بردم، ناگهان چشـمان خود را باز کردم، دیـدم دوسـتان اطراف بسترم نشسته اند.

خوب دقیق شدم و آنان را شناختم. قصه تربت را که به حلقم ریخته بودند، برایم شرح دادند.من کم کم در خود احساس نیرو و نشاط کردم و حرکتی به خود دادم و نشاط بیشتری یافتم. برخاستم و ایستادم چون یقین کردم که به برکت تربت مقدس امام حسین (ع) شفا یافته ام، حال خوشی پیدا کردم و به دوستان گفتم: بدون مجامله می خواهم از شما خواهش کنم از حجره بیرون بروید، چون می خواهم زیارت عاشورا بخوانم.آنان از حجره بیرون رفتند، من درب حجره را بستم و بدون احساس ضعف با آن حال خوشی که قابل وصف کردن نیست، مشغول خواندن زیارت حضرت سیدالشهدا (ع) شدم.مرحوم آقای حاج شیخ (ره) این داستان را باحال گریه نقل می کردند، بطوری که گاهی گریه سخنان معظم له را قطع می کرد.

محبوبیت امام و خاندان علی بالا می رود

اشاره

یکی از آثار ثمر بخش قیام مردانه امام حسین بن علی (ع) محبوبیت بیش ازپیش امام بود، زیرا پس از حادثه کربلا محبوبیت آن حضرت چنان ریشه دار شد که تا اعماق دل و جان مردم نفوذ کرد. اگر حسین بن علی (ع) پیش از قیام به عنوان امام وقت و سبط پیغمبر (ص) و بزرگ ترین شخصیت از خاندان وحی و رسالت شناخته می شد. پس از قیام، علاوه بر مقامات سابق به نام عالی ترین نمونه مردانگی و فداکاری در راه حقیقت شناخته شد و به عنوان کامل ترین مرد مجاهدی که به علت طرفداری و دفاع از اسلام به خاک و خون غلطید، نام پر عظمتش در خاطره ها نقش بست.کیست بشنود که: حسین بن علی (ع) به خاطر حمایت از قرآن در پیش چشم خانواده اش با شمشیر استبداد کشته شد و

دلش به سوی او متوجه نشود و به وی عشق نورزد؟ کیست که از جانبازی عاشقانه سبط پیغمبر (ص) آگاه شود و به هیجان نیاید و قلبش در محبت وی نتپد؟هر انسان با شعوری در هر گوشه ای از جهان و دارای هر عقیده ای باشد، وقتی که بشنود بزرگ ترین شخصیت علمی و سیاسی از خاندان پیغمبر (ص) به علت دفاع از انسانیت و حقوق انسان ها به دست عمال حکومت سرنیزه به خون غلطید، بی اختیار دلش در این مصیبت جانکاه می سوزد و بر قهرمان این فداکاری بی نظیر درود می فرستد و قلبش مجذوب وی می گردد و در عشق او به هیجان می آید، وهرچه نامش را بیشتر بشنود و از قیام مردانه وی بیشتر یاد کند، علاقه و محبّتش به این پیشوای مجاهدان عمیق تر و ریشه دارتر می شود.واین یک سنت طبیعی و غیر قابل تغییر است که روح و دل انسان ها به سوی انسانی که درراه دفاع از حقیقت کشته می شود، مجذوب می گردد. این محبوبیت که در واقع بمنزله خون تازه ای بود که در رگهای اسلام جریان پیدا می کرد، آرام آرام موقعیت خاندان علی (ع) را آن چنان استوار ساخت که دیگر برای ستمگران و جباران بعدی هیچ گونه امکان آن شبیخون زدن ها و یورش ها را به موجودیت دودمان امیر المؤمنین باقی نگذارد. در نتیجه، هم خاندان نبوت و هم اسلام اصیل و واقعی از یک خطر حتمی و سقوط قطعی نجات یافت.آری، قیام خونین «طف» در واقع به منزله تجدید حیات و قدرت معنوی برای اسلام و پیامبر بزرگ آن بوده است، زیرا جاذبیت خاصی که پس از آن برای حسین (ع) بوجود آمده بود عواطف و

تمایل شدید قشرهای مختلف اجتماع را به سوی آن بزرگوار معطوف داشت و این خود موجب گردید، تا در پرتو زنده ماندن اسم آن حضرت، نام پیغمبر و میراث آسمانی او هم زنده بماند به آن گونه تا این تاریخ، قرن ها است که داغ ترین و شورانگیزترین حماسه ها و جنبش های اسلامی و انسانی با الهام از جانبازی ها و فداکاری های بی دریغ آن حضرت به وجود آمده و آشنائی مردم با تعالیم و معتقدات اسلامی و زنده ماندن شئون و مظاهر صحیح مذهبی تحت عنوان یادبود خاطره کربلا انجام گردیده است.هرچند معتقدم که از مجامع سوگواری و اجتماعات عظیمی که به خاطر جاذبه حضرت سید الشهدا به وجود می آید، آن گونه که مورد انتظار است و باید، بهره برداری نمی گردد و به مقداری که نیرو در این راه مصرف می شود، نتیجه گیری انجام نمی گیرد(و این خود بحثی است که با خواست خداوند در پایان مقاله خواهد آمد و ما خود طرح های مفیدی در این باره داریم که در آن جا ارائه خواهیم داشت)اما با این حال کیست که نقش حیاتی و عظیم این مجامع را در حفظ اساس و کیان شیعه تا این عصر انکار ورزد؟!آری، این ثمره و راه یافتن دودمان علی (ع) به طور عمیق و ریشه دار در دل های مردم از مهم ترین آثاری بود که نهضت مقدس حسین (ع) آن را به بار آورد.

یک نکته

ولی یک نکته را باید دانست که این محبوبیت از آثار طبیعی و قهری مجاهدات مردانه امام است، نه هدف او البته بدیهی است که این محبوبیت قهری برای آن حضرت مخفی نبود، بلکه پیش از وقت هم پیش بینی می کرد که

پس از شـهادت محبوب تر و گرامی تر خواهـد شـد.از این رو، روز عاشورا وقتی که حملات شدید دشـمن به وی شـروع شده بود، ضـمن سخنانش با اردوی دشمن به این امر اشاره می کرد: «وایم اللّه انی لأرجو أن یکرمنی منی اللّه بهوانکم؛ به خدا قسم من امیـدوارم که خداونـد مرا گرامی گردانـد و شـما را خوار و بی مقـدار سـازد».امـام در این سـخن، به دو سـنت طبیعی اشاره فرموده است:۱ - سـست شدن دسـتگاهی که به کشتن فرزند پیغمبر (ص) اقدام کرد؛۲ عزت و محبوبیت بیش از پیش امـام که در راه دفاع از حقیقت به خاک و خون غلطیـد.در این جا باز بایـد تذکر دهیم که «ماربین» آلمانی چون دیده است امام حسـین (ع) پس از شـهادت محبـوب تر شـده، خیـال کرده است که آن حضـرت خود را به کشـتن داد، تـا احساسـات مردم به نفع وی تحریک شود و بیشتر به او محبت پیدا کند. ولی این نیز از باب اشـتباه هدف با نتیجه قهری است، زیرا محبوبیت بیشتر امام پس ازشهادت یک سنت طبیعی و از آثار قهری قیام مردانه آن حضرت است.

آل امیه منفور می گردد

چهـارمین اثر مهم و بزرگی که نهضت مقـدس (ع) به بـار آورد، برملاـ سـاختن مـاهیت کثیف و ننگین بنی امیه بود.آن قیـام و جنبش اصـیل که، پرده هـا را یـک بـاره بالاـ زد، به خوبی توانست چهره آلوده و سـیرت دیو ماننـد آنهـا را در برابر امت عملاً ترسـیم سـاخته ومیزان قسـاوت، درنـدگی، رذالت و پـای بنـد نبودن آنهـا را به هیـچ اصـلی از اصول انسانیت و شـرف آشـکار سازد.زاده علی (ع) با آن فداکاری و جانبازی خویش برای همگان روشن ساخت که

اینان نه تنها از کشتن عنصرهای فضیلت و زادگان پیامبر با لب های تشنه و شکم های گرسنه امتناع ندارد، بلکه کودکان شیر خوار وخرد سال آنهاراهم در برابر دیدگان پدر هدف تیرهای مسموم و کشنده قرار می دهند و دختران کوچک و بی گناه را به غل ّو زنجیر می کشند و با پای برهنه آنهارا از بیابان ها و بر روی خارها عبور می دهند.این جنایت های هولناک آن چنان پرده از ماهیّت بنی امیّه بالا زد و آن دشمنان واقعی اسلام را رسوا ساخت که قیافه های اهریمنی و شیطانی آنها را آن گونه که بود، نشان داد و در نتیجه به موازاتی که محبوبیت خاندان پیغمبر بالا ـ می رفت، نفرت و انزجار شدیدی از بنی امیه در دل ها ایجاد می گردید، تا آن جا که می توانست نقشه های شوم«زاده هند» را که با جعل احادیث و روایات ساختگی می خواست خاندان بنی امیه را به نام دین در دل های مردم جای دهد، همه را نقش را بر آب سازد.کار این منفوریت در اجتماع به حدی بالا گرفت که سرانجام پس از گذشت چند سال نه تنها هیچ یک از آل امیه جرأت نداشت نسبت خود را آشکار سازد، بلکه بدن های مردگان آنهارا از قبر بیرون کشیدند و با آتش می سوزاندند. آری، راه پیشرفت و پیروزی که داشت باسرعت فراوان برای آن دودمان کثیف در بین امت هموار می شد، بعد از واقعه «طف» یکباره درهم ریخت و بارسوایی و فضیحت بساط بوسفیانیان برچیده گشت.

نهضت هایی که از حادثه کربلا الهام گرفت

سومین اثر عمیق ومهم که واقعه «طف» آن را به وجود آورد، نهضت های اصیلی است که با الهام از آن واقعه انجام شد. این قیام های خونین که تقریباً رهبری همه آنها

را سادات و بنی هاشم برعهده داشتند، خود یکی از ثمرات شیرینی است که فداکاری های بی دریغ حسین (ع) ویاران عزیزش، آن را به بار آورد، زیرا تا آن روز هرچند جنگ های فراوانی در اسلام رخ داده بود، همانند نبرد علی و فرزندش حسن (ع) که در آنها مردان اصیل و آزاده اسلام سخت با ستم کاران و فرصت طلبان پیکار کردند و فداکاری های بسیاری انجام دادند، اما آن جنگ ها همگی به صورت برخورد حکومتی با حکومت دیگر بود و هر دو طرف از امکانات (دوقدرت) برخوردار بودند، از جنبه نفرات و سلاح گرفته تا آذوقه واقتصاد هر دو جبهه، دارای شرایطی مساوی یا قدرتی ضعیف تر بودند، اما واقعه کربلا این گونه نبود، در آن جا (قدرت) تنها در یک طرف بود و حکومت در برابر حکومت قرار نداشت.در آن جا دو طرف نه تنها دارای شرایطی مساوی نبودند، بلکه از نظر امکانات و نیرو درست در دو قطب مخالف بودند. در حادثه «نینوا» یک طرف پیکار یزید است که در رأس قدرت قرار دارد و از همه امکانات وعوامل مادّی به طور وسیع و بی سابقه ای برخوردار است. اما طرف دیگر، یعنی جبهه حسین (ع) نه قدرت دارد ونه حکومت، بلکه تنها جمعی آزادمردان خدا ساخته و شریف بودند که تعدادشان از صد نفر تجاوز نمی کند، واینان به عکس رقیب خود دست های پراز فضیلت شان از همه امکانات مادی تهی است! نه اسلحه کافی دارد و نه وسیله سواری و حتی نه آب ونان.اما با این حال نشان دادند که در حکومت جباران و ستمگران، آنجائی که برای عدالت و آزادی بافضیلت وشرف ارزشی نیست، مرگ

شرافت منـدانه به مراتب از زنـدگی ننگین و سـازش بـا آنهـا بهـتر است.آری، این گـونه پیکـار و جنـگ بـا این شـرایط کـاملا متفـاوت، تـا آن روز سـابقه نـداشت و برای اولین بـار این حسـین و یاران آزاده وی بودنـد که نشان دادنـد ممکن است جمعی کوچک و نفراتی محـدود، بـدون داشـتن هیـچ گونه امکانات مادی در یک محیط خفقان آور و در حکومت بیداد گران نعره های حق طلبانه خویش را از دل برکشـند و به خاطر هدف های خدایی و انسانی با دستی خالی پیکار کنند و هرچند در آن راه جان خود را از کف بدهنـد، اما چون بر خدا و حق تکیه دارند پیروز گردند.آری، از این جاست که ما تنها قیام خونین حسـین (ع) نه جنگ های اصـیل گذشـته را الهام بخش آن نهضت های کوچک، اما اصیل و پر ثمر می شمریم که به وسیله بنی هاشم و سادات در برابر حکومت های غاصب به وجود می آید و تردیدی نیست که نقش همان قیام ها و جنبش ها با حجم کوچک شان در حفظ موجودیت اسـلام و قوانین عدالت گستر آن بسیار حیاتی و حساس بوده است، زیرا تردیدی نیست که اگر دوران حکومت زمامـداران بعدی بانهایت آرامش و بدون درد سر می گذشت، بی شک آنهاکه نه با اسـلام رابطه گرمی و نه باملت پیونـدی داشـتند، کمتر احسـاس احتیاج می کردنـد که به مقررات اسـلامی و حفظ شـئون دینی تظاهر کننـد و از سـتم به مردم بپرهیزند. اما آن جنبش ها و قیام های مسـلحانه ای که به وسـیله سادات و بنی هاشم انجام می گردید، آن هم توأم با محبوبیت خاصی که خاندان پیغمبر: بعد از حادثه کربلا به دست آورده بودند؛ گاهی آن

چنان مشکل عظیم برای حکومت ها و خلفای ناشایسته وقت به وجودمی آورد که آنها را به سقوط و شکست قطعی تهدید می نمود. بی شک در چنین شرایط، آن جباران خود را به حفظ حقوق مردم و مقررات و تظاهر به رعایت اصول ومبانی اسلامی بیشتر محتاج می دیدند، تا از این راه هم بر محبوبیت خویش در بین مردم بیفرایند و هم از حمایت اجتماع در برابر سادات بیشتر برخوردار باشند و از طرف سوم، بهانه ای هم به دست مخالفان خود و بنی هاشم نداده باشند.با این حساب نقشی که قیام سادات در برابر حکومت های ناشایست وقت از نظر محفوظ ماندن ظواهر اسلام و نام مقدس پیامبر گرامی و رعایت حقوق مردم داشت، جای هیچگونه تردید نیست واین نهضت ها خود یکی از آثار مهم و ثمرات شیرینی است که بی شک از نهضت ریشه دار و عمیق حضرت حسین بن علی (ع) الهام می گرفت.

درس های عملی

اشاره

یکی دیگر از آثار گران بهای قیام امام حسین (ع) این است که با قیام آن حضرت درس های عملی پر ارزشی در اختیار جهان اسلام، بلکه جهان انسانیت گذاشته شد و بدون تردید درس عملی از درس زبانی و قلمی خیلی مؤثرتر و نافذتر است.جامعه اسلامی؛ بلکه جهان انسانی می تواند از هریک از مراحل قیام امام درس مخصوصی فراگیرد و از مکتب جاویدان حسین بن علی (ع) برای سعادت اجتماع همیشه استفاده کند. و اینک به درس های عملی که از چهار مرحله قیام آن حضرت می توان آموخت، اشاره می کنیم:الف) آن گاه که عناصر دنیا پرست بخواهند با قدرت سرنیزه، تصویب حکومت غیرقانونی را تحمیل کنند، باید چنین تحمیلی را نپذیرفت و به مقاومت پرداخت، واگرامید این معنا هست

که نیروهای ملی متشکل شوند و برای مبارزه با حکومت ظلم شروع به فعالیت کنند باید به ارزیابی اوضاع سیاسی و نیروهای ملی پرداخت، تا اگر امکان مبارزه هست برای درهم کوبیدن ظلم و فساد شروع به کار شود.چنان که امام حسین(ع)برای مقاومت در برابر حکومت یزید و ارزیابی اوضاع سیاسی و ارزیابی قدرت ارتش ملی به مکه هجرت فرمود.این درسی است که از مرحله اول قیام امام می آموزیم.ب) اگر پس از ارزیابی نیروهای ملی، معلوم شد که افکار عمومی خواهان تغییر حکومت است و نیروی کافی برای تشکیل حکومت وجود دارد، باید با کمال شهامت برای تشکیل حکومت عادلانه اقدام کرد.چنان که امام حسین (ع) پس از گزارش مسلم بن عقیل که نیروی کافی برای تشکیل حکومت فراهم شده و امکان پیروزی نظامی بود، با همتی مردانه برای تشکیل حکومت اسلامی و سوزاندن ریشه ظلم و فساد اقدام فرمود و به سخنان این و آن گوش نداد.و این درسی است که از مرحله دوم قیام امام می آموزیم.ج)اگر معلوم شد که دیگر امکان پیروزی نظامی نیست، باید با تمام نیرو برای حفظ صلح و جلوگیری از جنگ کوشید تانیروهای موجود به حالت ذخیره بماند و بتوان در فرصت های دیگری فعالیت های وسیع تری به نفع اسلام آغاز نمود.چنان که حسین بن علی (ع) وقتی که با حرّ بن یزید برخورد کرد و دیگر امکان پیروزی نظامی و تشکیل حکومت نبود برای مراجعت به حجاز و جلوگیری از برخورد نظامی کوشش فراوان کرد واز هنگام برخورد با حرّبن یزید تا آخر کار حداقل پنج دفعه پیشنهاد مسالمت فرمود.و این درسی است که از مرحله سوم قیام امام می آموزیم.د)اگر رهبر قیام در محاصره

دشـمن واقع شود و از او بخواهنـد که بی قید و شـرط تسـلیم شود، ولی معلوم است که اگر تسـلیم گردد، او را خلع سـلاح می کننـد و ذلیلانه می کشـند؛ در این صورت بایـد تسـلیم دشـمن نشود و مردانه به مقـاومت و دفاع بپردازد تا پیروز شود اگر چه احتمال یک در صد باشد و یا به افتخار شهادت برسد.چنان که امام حسین (ع) پس از آن که در محاصره نیروهای دشمن واقع شد و معلوم بود که اگر تسـلیم شود، آن حضـرت را ذلیلانه خواهند کشت، در این شرایط مردانه به مقاومت و دفاع پرداخت و سرانجام به افتخار شهادت رسید.و این درسی است که از مرحله چهارم قیام آن حضرت می آموزیم.

درس عزت نفس

اشاره

علاوه بر درس هایی که گفته شد درس دیگری نیز از قیام امام حسین (ع) می توان آموخت و آن «عزت نفس» است.از مطالعه تاریخ قیـام، امـام معلـوم می شـود پس از آن که آن حضـرت در محاصـره نیروهـای ابن زیـاد واقع شـد، دو مسـئله مطرح بوده است:یکی این که، امام حسین (ع)خلافت یزید را بپذیرد و دیگری این که، ذلیلانه و خاضعانه تسلیم ابن زیاد گردد، و این غیر از پـذیرفتن خلافـت یزیـد است؛ یعنی چیزی است که علاوه بر خلافت یزیـد می خواسـتند بر امام تحمیل کننـد.آن گاه که در مدینه به فرزند پیغمبر (ص) پیشـنهاد کردند، خلافت یزید را بپذیرد فقط از او می خواستند که تسلیم اراده یزید شود و دیگر از پذیرفتن فرمان ابن زیاد سـخنی در بین نبود. ولی آن گاه که در بیابان سوزان کربلا آن حضـرت را در محاصره نیروهای مسلح عبید اللّه زیاد گرفته بودند، علاوه بر پذیرفتن

خلافت می خواستند این ذلّت را بروی تحمیل کنند که تسلیم بی قید و شرط ابن زیاد شود، تا او هر فرمانی که دلش خواست درباره امام صادر کند، اگر چه فرمان اعدام باشد.امام حسین (ع) در یکی خطبه های روز عاشورا این مطلب را بدین گونه توضیح می دهد: «این ناکس پسر ناکس [ابن زیاد] مرا به پذیرفتن یکی از دو چیز ناچار کرده است: یا شمشیر کشیدن و جنگیدن و یا قبول ذلت کردن».در خطبه امام این مطلب روشن است که باید حسین بن علی (ع) ذلیلانه تسلیم ابن زیاد گردد.پس معلوم می شود اگر برفرض محال امام در کربلا- خلافت یزید را می پذیرفت، باز هم اورا آزاد نمی گذاشتند که مثلا- به وطن خود مدینه برگردد، بلکه باید پس از بیعت کردن با یزید تسلیم اراده ابن زیاد شود.بنا براین، از وقتی که امام حسین (ع) در محاصره نیروهای «عبید اللّه بن زیاد» شد، مقاومت آن حضرت دوجانبه گشت؛ یعنی هم مقاومت می کرد که خلافت ضد قرآن یزید را نپذیرد وهم مقاومت می کرد که ذلّت وخفتی را که می خواستند بر وی تحمیل کند،نپذیرد و عزت نفس خود را حفظ کند و این عزت نفس در مراحل اخیر مبارزه امام بیشتر تجلی کرد.مقاومت حسین بن علی (ع) در مقابل دستگاه دیکتاتوری یزید در همه مراحل،مردانه و شجاعانه بود. ولی مقاومت دلیرانه و عاشقانه ای که از صبح عاشورا، تا وقت شهادتش از خود نشان داد، به اندازه ای حیرت انگیز و بهت آور است که بدون مبالغه هیچ قلم توانا یا زبان گویایی نمی تواند آن را آن چنان که هست، تحریر یا تقریر نماید.آن گاه که حسین بن علی (ع) در محاصره

شدیـد نیروهـای مسـلح ابن زیـاد قرار گرفته و اردوی تجاوز کار دشـمن آماده بود که با حمله ای، کار آن حضـرت را یکسـره کنـد.آن گـاه که برق شمشـیر سـی هزار نظـامی مسـلح دشـمن چشم هـا را خیره کرده و دل هـا را می لرزانـد.آن گاه که سوز تشـنگی سراپای وجود امام را می گداخت و جهان پیش چشمش تیره و تار شده بود.آن گاه که زنان و کودکان امام در خیمه ها منقلب وپریشان و در حال سوز و گداز به سر می بردند.آنگاه که خاندان آن حضرت در حال بلاتکلیفی و نگرانی از آینده و در انتظار اسیری دقیقه شـماری می کردند.آن گاه که ناله های جانسوز زنان و کودکان تشنه و سرگردان قلب پر محبت امام را می لرزانـد و جگرش را چاک می زد.امام حسـین (ع) در چنین اوضاع و احوال وحشت زایی که هر پهلوان مرد افکنی را بی چاره می کنـد و در چنین عرصه پرمحنتی که تهمتن هـا و شـیردلان را به زانو در می آورد؛ در میـان چنین طوفـانی بلا-یی می گویـد:«هیهات منّا الـذلّه؛ ماهرگز ذلت را نمی پـذیریم».و می گویـد: «لاأعطیهم بیـدی اعطاء الذلیل»؛ من دست ذلت به دست ایشـان نمی دهم».آه! که چه عزت نفس و حریت ضـمیری از فرزنـد پیغمبر (ص) بروز کرده است!عجبـا که چه عظمت روح و علو طبع ونبوغ ذات حیرت انگیزی از پسـر فاطمه (ع) ظاهر گشـته است!این همان درس عزت نفسـی است که از مکتب حسین بن علی(ع) می توان آموخت.حادثه عاشورا نه تنها برای مسلمانان مایه عبرت بوده است، بلکه بسیاری از رهبران و نوابغ مذهبی علمی و سیاسـی سایر مـذهب ها و کشورهای جهان هم، آن را پایه و اساس حکومت خود قرار داده انـد و از آن حادثه جاوید برای رسیدن به آرمان های

کشور و مذهب خود استفاده می کنند که در زیر به سخنان بعضی از آنها اشاره می شود:

نهضت حسین از نظر «مهاتما گاندی»

برمن روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز باشد، بایستی از سرمشق امام حسین (ع) پیروی کند.

آثار نهضت امام حسین از نظر «مسیو ماربین» آلمانی

امام حسین (ع) برای پایدار داشتن پرچم اسلام، پرچمی که با فداکاری و از خود گذشتگی های جدش و با ایثار خون پاک صدها مسلمان غیرتمند برافراشته شده بود،جان و مال و خانواده و دوستان خود را فدا نمود، تا به دنیا نشان دهد که ظلم و بیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم هر چند عظیم و استوار باشد، در برابر حق و حقیقت چون پرکاهی بر باد خواهد رفت.او با اثبات مظلومیت و حقانیت خود به دنیا درس فداکاری و جانبازی آموخت و نام اسلام و اسلامیان را در تاریخ ثبت و در عالم بلند آوازه ساخت.

محمد علی جناح

محمد علی جناح درباره آثار قیام حسین (ع) چنین می گوید:هیچ نمونه ای از شجاعت بهتر از آن که امام حسین (ع) از لحاظ فداکاری و تهورنشان داد، در عالم پیدا نمی شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد پیروی نمایند.

حادثه عاشورا از نظر لیاقت علیخان

این روز [عاشورا] برای مسلمانان سراسر جهان معنای بزرگ دارد. شهادت یکی از عظیم ترین پیروان اسلام مثل درخشنده و پایدار برای همه ماست. این درس به ما می آموزد که اشکال و خطرات هر چه باشد؛ نبایستی از راه حقیقت و عدالت منحرف شد.

اثر نهضت حسین از نظر گیبون مورخ مشهور

در طی قرون آینده بشریت و در سرزمین های مختلف شرح صحنه حزن آور مرگ حسین موجب بیداری قلب خون سردترین قارئین خواهد شد. «چارلز دیکنس درباره آثار نهضت حسین این گونه می گوید:اگر منظور امام حسین جنگ در راه خواسته های دنیایی خود بود، من نمی فهمم چرا خواهران و زنان و اطفالش به همراه او بودند؟ پس عقل چنین حکم می نماید که او فقط به خاطر اسلام فداکاری خویش را انجام داد.

آثار نهضت حسین از نظر «توماس کارلایل»

بهترین درسی که از تراژدی کربلا می گیریم این است که حسین و یارانش ایمان استوار به خدا داشتند، آنها با عمل خود روشن کردند که تفوق عددی در جایی که حق و باطل رو به رو می شود، اهمیت ندارد و پیروزی حسین با وجود اقلیتی که

داشت باعث شگفتی من است.

نهضت حسین از نظر فردریک جمس

درس امام حسین (ع)و هر قهرمان شهید دیگری این است که در دنیا اصول ابدی عدالت و ترحم و محبت وجود دارد که تغییرناپذیر است و هم چنین می رساند که هرگاه کسی برای این صفات ابدی مقاومت کند وبشر در راه آن پافشاری نماید، آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند.

کلام آخر

و به راستی!باچنین حسن و ملاحت اگر ایشان بشرند زآب وخاک دگر و شهر ودیار دگرندسلام گرم عاشقان آزادگی و عزت نفس بر تو باد ای قهرمان آزادگی و حرّیت! که ذلت را نپذیرفتی و درحال مقاومت افتخارآمیز به خون خود غلطیدی.درود پر شور شیفتگان حق وعدالت بر تو باد ای فرشته بشر! سیما که در راه دفاع از حق و عدالت تا آخرین نفس ایستادگی کردی و سرانجام در راه هدف مقدس خود عاشقانه جان دادی!سلام سوزان دل باختگان آزادی و انسانیت نثار بارگاه عظمت و جلال تو باد ای مرد آسمانی و ملکوتی! که از تار و پود وجود تو برای همیشه این ندا بلند است که:«هیهات منّا الذّله؛ ما هرگز ذلت را نمی پذیریم».

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹